



**تفسیر موضوعی قرآن کریم**  
**آموزه‌هایی از فضائل و حقوق اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن**

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان  
استاد پردیس فارابی (قم) دانشگاه تهران

بهار ۱۳۹۳

نजारزادگان، فتح‌الله، ۱۳۳۷ -

تفسیر موضوعی قرآن کریم: آموزه‌هایی از فضائل و حقوق اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن / فتح‌الله نजारزادگان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۹۳.

دوازده، ۲۸۸ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۷۴: علوم قرآن؛ ۳۱)

ISBN: 978-600-298-034-2

بها: ۶۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه: ص [۲۵۹] - ۲۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. تفاسیر شیعه، قرن ۱۴. ۲. خاندان نبوت در قرآن. ۳. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

خاوران - معاونت آموزش. ج. عنوان

۲۹۷/۱۷۹

۱۳۹۲ ۲۸ت۶۷/۹۸BP

۳۴۲۴۴۵۶

شماره کتابشناسی ملی



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

**تفسیر موضوعی قرآن کریم: آموزه‌هایی از فضائل و حقوق اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن**

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نजारزادگان

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران)

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

تعداد: ۶۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

**کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.**

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰،

ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

قم: انتهای بلوار امین، نیش کوچه ۵۱، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، تلفن: ۰۲۵-۳۲۶۰۳۳۲۰ (مرکز نشر هاجر):

۰۳۰۰۰۲۱۴۴۴۰، شماره: ۰۲۵-۳۲۶۰۳۶۷۱، ص.پ. ۳۷۱۳۹-۵۵۶۹۵، پیامک: ۳۰۰۰۲۱۴۴۴۰

Website: www.whc.ir & www.Hajar.whc.ir Email: Hajar@whc.ir

## سخن ناشران

حوزه‌های علمی شیعه، نگهبانان تراث جاوید معارف و علوم و پاسداران حریم شریعت و عقاید اسلامی‌اند. این رسالت خطیر، مسئولیت عالمان دین‌باور را در عرصه تعلیم و تربیت، دوچندان نموده است. دغدغه‌های همیشگی عالمان متعهد، نسبت به اصلاح و غنابخشی کمتی و کیفی شیوه‌ها، متون و الگوهای آموزشی، در راستای بالندگی و پویایی و کارآمدی نظام آموزشی حوزه، ضرورت بازنگری و اصلاح و تدوین و ارائه متون نو و کارآمد را، مورد تأکید قرار می‌دهد. البته از یک‌سو، منزلت و جایگاه متون درسی در حوزه‌ها و بهره‌مندی از تراث گران‌سنگ و ذخایر ارزشمند متون قویم از صلحای سلف و وزانت و اعتبار مؤلفان آنها، ایجاب می‌کند که در بازسازی و اصلاح و تدوین متون درسی، اهتمام و دقت و تأمل خاص و شایسته مبذول گردد و از سوی دیگر، دگرگونی و تحول در گرایش‌ها، نیازها، انتظارات، شیوه‌ها و الگوهای تعلیم و تربیت، مسئولیت متولیان امر پرورش و آموزش و برنامه‌ریزی درسی را، در حوزه افزون می‌سازد تا به صورت مستمر با آرایه‌بندی‌ها، الگوها و قالب‌های نو و با ارتقای محتوایی، به پیرایش و تدوین متون درسی، همت گمارند.

از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران براساس ضرورت‌ها و نیازهای یادشده، نسبت به تولید متون درسی، اقدام نموده و ده‌ها جلد کتاب درسی را طراحی، تدوین و منتشر ساخته و سومین اثر مشترک خود را به جامعه علمی و آموزشی کشور تقدیم می‌دارند و در این فرآیند سعی داشته‌اند ضمن حفظ اصالت و غنای محتوایی گنجینه‌های ارزشمند برجای مانده از عالمان گذشته، با کاربست فناوری آموزشی و رعایت اصول، معیارها و الگوهای جدید، متونی هماهنگ با اهداف و در چارچوب برنامه‌ها و سرفصل‌های مصوّب و متناسب با سطح علمی و انتظارات فراگیران ارائه کنند.

اثر حاضر از طرف گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهیه و به صورت مشترک با حوزه علمیه خاوران منتشر شده است. این کتاب به عنوان متن درسی برای طلاب سطح دو حوزه علمیه و دانشجویان رشته علوم قرآنی و حدیث و رشته‌های همگون با آن در مقطع کارشناسی ارشد تهیه شده است. امید آنکه دیگر علاقه مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند انتظار داریم با ارائه پیشنهادها، نقدها و دیدگاه‌های اصلاحی خود ما را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلف محترم اثر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر فتح‌الله نجارزادگان و همچنین از ارزیابان محترم آن حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد اسعدی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی فتحی سپاسگزاری نماییم.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## فهرست اجمالی مطالب

### بخش اول: کلیات

- فصل اول: تحلیل معنایی تفسیر و تفسیر موضوعی..... ۷  
فصل دوم: دسته‌بندی آیات و نگاهی به ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن..... ۱۹  
فصل سوم: حکمت عدم تصریح نام ائمه علیهم‌السلام در قرآن..... ۳۱

### بخش دوم: آموزه‌هایی از فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

- فصل اول: فضیلت تطهیر ویژه  
گفتار اول: تفسیر آیه تطهیر با تحلیل درون متن..... ۴۳  
گفتار دوم: تحلیل برون متن از آیه تطهیر و نقد مناقشه‌ها..... ۵۸  
فصل دوم: فضیلت جداناپذیری از قرآن..... ۷۳

### بخش سوم: آموزه‌هایی از حقوق اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن

- فصل اول: حق معرفت به اهل بیت علیهم‌السلام..... ۸۵  
فصل دوم: حق اطاعت  
گفتار اول: تفسیر حق اطاعت در آیه اولی الامر..... ۹۷  
گفتار دوم: ارزیابی و نقد شبهه‌ها و تردیدها..... ۱۰۹  
فصل سوم: حق ولایت در آیات ولایت  
گفتار اول: تفسیر حق ولایت در آیات ولایت..... ۱۱۹  
گفتار دوم: ارزیابی و نقد شبهه‌ها و تردیدها..... ۱۲۹  
فصل چهارم: حق ولایت در آیه عصمت  
گفتار اول: تفسیر حق ولایت در آیه عصمت (تبلیغ)..... ۱۴۳  
گفتار دوم: ارزیابی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها..... ۱۵۵

	فصل پنجم: حق ولایت در آیه اکمال
۱۷۱	گفتار اول: تفسیر حق ولایت در آیه اکمال
۱۸۰	گفتار دوم: ارزیابی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها
	فصل ششم: حق مرجعیت دینی و علمی
۱۹۱	گفتار اول: تفسیر حق مرجعیت دینی و علمی آیات اهل‌الذکر
۲۰۱	گفتار دوم: ارزیابی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها
	فصل هفتم: حق وراثت زمین و احیای دین
۲۰۹	گفتار اول: تفسیر آیه وراثت، استخلاف و آیه اظهار دین
۲۲۷	گفتار دوم: گامی در شخصیت‌شناسی احیاگر دین، امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۴۹	فصل هشتم: حق مودت

## فهرست تفصیلی

مقدمه .....	۱
<b>بخش اول: کلیات</b>	
<b>فصل اول: تحلیل معنایی تفسیر و تفسیر موضوعی .....</b>	<b>۷</b>
درآمد .....	۷
معناشناسی تفسیر .....	۱۰
معناشناسی تفسیر موضوعی .....	۱۳
خلاصهٔ مبحث .....	۱۶
پرسش‌ها .....	۱۷
بحث و پژوهش .....	۱۷
برای مطالعه بیشتر .....	۱۷
<b>فصل دوم: دسته‌بندی آیات و نگاهی به ویژگی‌های اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در قرآن .....</b>	
دسته‌بندی آیات دربارهٔ اهل بیت .....	۱۹
الف) دسته‌بندی آیات در سطح ظواهر و بطون قرآن .....	۱۹
ب) دسته‌بندی آیات براساس فضائل و حقوق اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> .....	۲۱
نگاهی به ویژگی‌های اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در قرآن .....	۲۲
خلاصهٔ مبحث .....	۲۹
پرسش‌ها .....	۲۹
بحث و پژوهش .....	۳۰
برای مطالعه بیشتر .....	۳۰
<b>فصل سوم: حکمت عدم تصریح نام ائمه <small>علیهم‌السلام</small> در قرآن .....</b>	
دیدگاه افراطی .....	۳۱
دیدگاه تفریطی .....	۳۲
دیدگاه معتدل .....	۳۳

۳۵	آزمون امت، حکمت عدم تصریح .....
۳۹	خلاصهٔ مبحث .....
۳۹	پرسش‌ها .....
۴۰	بحث و پژوهش .....
۴۰	برای مطالعه بیشتر .....

### بخش دوم: آموزه‌هایی از فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)

#### فصل اول: فضیلت تطهیر ویژه

۴۳	گفتار اول: تفسیر آیهٔ تطهیر با تحلیل درون متن .....
۴۴	درآمد .....
۴۵	تحلیل واژگان .....
۵۳	تحلیل درون متن از آیه .....
۵۸	گفتار دوم: تحلیل برون متن از آیهٔ تطهیر و نقد مناقشه‌ها .....
۵۸	تحلیل برون متن .....
۶۹	خلاصهٔ مبحث .....
۷۰	پرسش‌ها .....
۷۱	پژوهش .....
۷۱	منابع برای مطالعه بیشتر .....

#### فصل دوم: فضیلت جدانپذیری از قرآن

۷۳	تبیین جدانپذیری اهل بیت (علیهم‌السلام) از قرآن .....
۷۷	آثار همتایی و جدانپذیری اهل بیت (علیهم‌السلام) از قرآن .....
۸۱	خلاصهٔ مبحث .....
۸۱	پرسش‌ها .....
۸۱	بحث و پژوهش .....
۸۱	برای مطالعه بیشتر .....

### بخش سوم: آموزه‌هایی از حقوق اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن

#### فصل اول: حق معرفت به اهل بیت (علیهم‌السلام)

۸۵	ضرورت شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام) .....
۸۷	معناشناسی اهل بیت (علیهم‌السلام) .....
۹۴	خلاصهٔ مبحث .....
۹۴	پرسش‌ها .....
۹۴	بحث و پژوهش .....
۹۵	برای مطالعه بیشتر .....



۹۷	فصل دوم: حق اطاعت .....
۹۷	گفتار اول: تفسیر حق اطاعت در آیه اولی الامر .....
۹۸	واژگان .....
۹۹	تفسیر آیه اولی الامر .....
۹۹	تحلیل درون‌متنی از آیه .....
۱۰۲	تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات) .....
۱۰۲	۱. انحصار معنای اولی‌الامر به معصومان .....
۱۰۴	۲. اولی‌الامر و اوصاف ویژه .....
۱۰۵	۳. اولی‌الامر در ردیف خدا و پیامبر .....
۱۰۶	۴. پیوند «اولی‌الامر» با اوصاف عترت .....
۱۰۹	گفتار دوم: ارزیابی و نقد شبهه‌ها و تردیدها .....
۱۰۹	دسته اول: مناقشه در روایات شیعی و نقد آن .....
۱۱۴	دسته دوم: مناقشه در دلالت آیه و نقد آنها .....
۱۱۴	اشکال اول: شرط معرفت و دسترسی به اولی‌الامر .....
۱۱۵	اشکال دوم: عدم تطبیق اولی‌الامر با صیغه جمع بر یک فرد .....
۱۱۵	اشکال سوم: عدم تطبیق اولی‌الامر بر مفاد آیه .....
۱۱۷	خلاصه مبحث .....
۱۱۷	پرسش‌ها .....
۱۱۸	بحث و پژوهش .....
۱۱۸	برای مطالعه بیشتر .....
۱۱۹	فصل سوم: حق ولایت در آیات ولایت .....
۱۱۹	گفتار اول: تفسیر حق ولایت در آیات ولایت .....
۱۲۰	تحلیل واژگان .....
۱۲۲	تفسیر آیات ولایت .....
۱۲۹	گفتار دوم: ارزیابی و نقد شبهه‌ها و تردیدها .....
۱۲۹	دسته اول: مناقشه‌ها در سبب نزول آیات ولایت .....
۱۳۱	نقد مناقشه‌ها در سبب نزول آیه .....
۱۳۴	دسته دوم: مناقشه‌ها در دلالت آیات بر امر ولایت .....
۱۳۴	نقد مناقشه‌ها در دلالت آیه .....
۱۴۰	خلاصه مبحث .....
۱۴۰	پرسش‌ها .....
۱۴۱	بحث و پژوهش .....
۱۴۱	برای مطالعه بیشتر .....

۱۴۳	فصل چهارم: حق ولایت در آیه عصمت
۱۴۳	گفتار اول: تفسیر حق ولایت در آیه عصمت (تبلیغ)
۱۴۴	واژگان
۱۴۶	تفسیر آیه عصمت (تبلیغ)
۱۴۶	تحلیل درون‌متنی از آیه
۱۵۲	تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات)
۱۵۵	گفتار دوم: ارزیابی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها
۱۵۵	محور اول: مناقشه در اعتبار احادیث نزول آیه درباره امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۵۷	نقد مناقشه
۱۶۱	محور دوم: مناقشه در معنای پیشوا برای «مولی»
۱۶۱	ادله اثبات معنای پیشوا برای «مولی»
۱۶۲	الف) ارتباط نزول آیه با ابلاغ ولایت امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۶۲	ب) دل‌نگرانی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و بیم از تکذیب
۱۶۲	ج) پیوند غدیر با جریان بُریده اَسلمی
۱۶۴	د) واژه «ولی» به جای «مولی» در حدیث غدیر
۱۶۴	ه) تعبیر «ألسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» در صدر اعلان ولایت
۱۶۵	و) پیوند جریان غدیر با حدیث ثقلین
۱۶۶	ز) ارتباط آیه عصمت با آیات ولایت و اولی الامر
۱۶۶	ح) پیوند آیه عصمت با آیه اکمال
۱۶۸	خلاصهٔ مبحث
۱۶۹	پرسش‌ها
۱۶۹	بحث و پژوهش
۱۷۰	برای مطالعه بیشتر
۱۷۱	فصل پنجم: حق ولایت در آیه اکمال
۱۷۱	گفتار اول: تفسیر حق ولایت در آیه اکمال
۱۷۱	واژگان
۱۷۲	تفسیر آیه اکمال
۱۷۳	تحلیل درون‌متنی از آیه
۱۷۶	تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات)
۱۸۰	گفتار دوم: ارزیابی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها
۱۸۰	مناقشه در اعتبار روایات و نقد آنها
۱۸۵	مناقشه در دلالت آیه و نقد آن
۱۸۷	خلاصهٔ مبحث
۱۸۸	پرسش‌ها

۱۸۸	..... بحث و پژوهش
۱۸۹	..... برای مطالعه بیشتر
<b>فصل هشتم: حق مرجعیت دینی و علمی</b>	
۱۹۱	..... گفتار اول: تفسیر حق مرجعیت دینی و علمی آیات اهل الذکر
۱۹۲	..... تحلیل واژگان
۱۹۳	..... معناشناسی اهل الذکر
۱۹۸	..... وجوه جمع روایات با سیاق آیات
۲۰۱	..... گفتار دوم: ارزیابی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها
۲۰۱	..... مناقشه در مفاد روایات
۲۰۱	..... نقد مناقشه
۲۰۶	..... خلاصه مبحث
۲۰۷	..... پرسش‌ها
۲۰۷	..... بحث و پژوهش
۲۰۸	..... برای مطالعه بیشتر
<b>فصل نهم: حق وراثت زمین و احیای دین</b>	
۲۰۹	..... گفتار اول: تفسیر آیه وراثت، استخلاف و آیه اظهار دین
۲۰۹	..... آیه وراثت صالحان
۲۱۱	..... تفسیر آیه استخلاف قوم موعود
۲۱۷	..... تفسیر آیه اظهار دین
۲۲۵	..... خلاصه مبحث
۲۲۵	..... پرسش‌ها
۲۲۶	..... بحث و پژوهش
۲۲۶	..... برای مطالعه بیشتر
۲۲۷	..... گفتار دوم: گامی در شخصیت‌شناسی احیاگر دین، امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۲۷	..... درآمد: ضرورت شخصیت‌شناسی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	..... حیات امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳۰	..... امام مهدی <small>علیه السلام</small> و مقام امامت
۲۳۲	..... امام مهدی <small>علیه السلام</small> از اهل بیت پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۳۵	..... امام مهدی <small>علیه السلام</small> خلیفه الله
۲۳۷	..... نوع خلافت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۴۶	..... خلاصه مبحث
۲۴۷	..... پرسش‌ها
۲۴۷	..... بحث و پژوهش

۲۴۸	..... برای مطالعه بیشتر
۲۴۹	..... <b>فصل هشتم: حق مودّت</b>
۲۴۹	..... تفسیر حق مودّت در آیه مودت
۲۴۹	..... تفسیر آیه مودّت
۲۵۴	..... نگاهی به پیامدهای محبت به اهل بیت (علیهم السلام)
۲۵۶	..... خلاصهٔ مبحث
۲۵۶	..... پرسش‌ها
۲۵۶	..... بحث و پژوهش
۲۵۷	..... برای مطالعه بیشتر
۲۵۹	..... <b>منابع و مأخذ</b>
۲۷۱	..... <b>نمایه موضوعات</b>

## مقدمه

درس «آموزه‌هایی از فضائل و حقوق اهل بیت در قرآن» در حد دو یا سه واحد برای «تفسیر موضوعی» طراحی شده است. هدف از این درس آشنایی با تفسیر مجموعه‌ای از آیات در شأن اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن است و حدود ۶۵٪ آن از کتاب‌های تفسیر تطبیقی نگارنده است. کتاب حاضر به همین منظور در قالب سیزده فصل، در سه بخش کلی نگاشته شده است. بخش اول: کلیات، مشتمل بر سه فصل؛ بخش دوم: شرح پاره‌ای از فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام در دو فصل و بخش سوم شرح و تبیین آموزه‌هایی از حقوق اهل بیت علیهم‌السلام در هشت فصل است. در طراحی محتوایی این کتاب کوشیده شده به چند نکته اساسی توجه شود:

۱. کمیت و حجم فصل‌ها متناسب با بازه زمانی تدوین گردد؛
۲. منطبق بر تعالیم قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام باشد؛
۳. متناسب با نیازها و سطح مخاطبان سامان یابد؛
۴. حتی الامکان سرفصل‌های این درس را پوشش دهد؛
۵. موضوعاتی که حجم آنها از یک جلسه درس بیشتر است به دو گفتار به صورت منطقی تقسیم گردد؛
۶. کم و بیش به شبهه‌ها و مناقشه‌ها بپردازد و آنها را پاسخ دهد؛
۷. در آغاز هر درس آیه کلیدی متناسب با موضوع درس را یادآور شود؛
۸. چند پرسش در متن درس‌ها با عنوان «بیندیشید» برای فعالیت در کلاس مطرح شده است. در این اثر در پایان هر فصل افزون بر «خلاصه مبحث» پرسش‌هایی از متن استخراج شده و سپس بخشی با عنوان «پژوهش و گزارش» و «برای مطالعه بیشتر» گشوده شده است تا

دانش پژوهان توان خود را در پژوهش بیازمایند، یا با تلخیص و گزارش آثار پیشنهادی، معلومات خود را درباره موضوع درس گسترش دهند. این بخش می‌تواند به صلاحدید استاد به صورت اختیاری یا الزامی باشد.

### سیری در پیشینه پژوهش

موضوع «اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن» با منابع فراوان و گوناگون پیوند دارد. برای نمونه، این موضوع با تمام کتاب‌ها و رساله‌هایی که درباره «امامت» به شیوه کلامی نگاشته شده‌اند، مرتبط است. چون اساساً متکلمان شیعی از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) برای تبیین ابعاد حقوقی و فضائل اهل بیت (علیهم السلام) بهره گرفته و بعد ولایت و امامت اهل بیت (علیهم السلام) را ترسیم کرده‌اند. در این قلمرو نویسندگانی نامدار به چشم می‌خورند که برخی از آنان از اجلای اصحاب ائمه طاهرین و بزرگان ادب، دانش و مفاخر امامیه‌اند. از خلیل‌بن‌احمد فراهیدی (م ۷۰ق)، یونس‌بن‌عبدالرحمن (م ۲۰۸ق)، محمد بن ابوعمیر (م ۲۱۷ق) گرفته تا علم الهدی شریف مرتضی (م ۴۳۸ق) با کتاب الشافی فی الامامة و شیخ الطائفة طوسی (م ۴۶۰ق) با کتاب تلخیص الشافی - که در واقع بازخوانی کتاب الشافی است - و دیگر بزرگان شیعی که نگارنده بخشی از آثار آنان را در مقدمه کتاب دوم از تفسیر تطبیقی، فهرست کرده است.

منابع و آثاری که با موضوع ما تناسب بیشتری دارند عبارت‌اند از: «منابع روایی»، «کتاب‌های جامع» و «کتاب‌های انتقادی» که به صورت فشرده بخشی از فهرست آنها را در اینجا ملاحظه می‌کنید.

**الف) منابع روایی:** منابع روایی در این زمینه کتاب‌هایی است که به جمع‌آوری روایات درباره آیات ناظر به اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته‌اند. اهتمام این نوع منابع به گردآوری تمام شواهد از کتاب خداست که به نحوی به معرفی فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و حقوق و موقعیت آنان اشاره دارد. از جمله آنها، کتاب‌هایی هستند که به بیان شأن نزول‌ها یا تبیین‌های نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و خود اهل بیت (علیهم السلام) درباره آیات وحی پرداخته است. از این نمونه می‌توان به جز کتاب‌های مناقب که عرصه ویژه با کمیتی قابل توجه در این باره‌اند، به این کتاب‌ها اشاره کرد: شواهد التنزیل، نوشته حاکم عبیدالله حسکانی حنفی (د حدود ۴۷۰ق)، تأویل الآیات الظاهرة، تألیف سید شرف‌الدین استرآبادی (از دانشمندان قرن دهم)، مرآة الانوار، نگاشته فتونی عاملی (د. قرن دوازدهم)، اللوامع النورانية فی اسماء علی (علیه السلام) و اهل بیته القرآنية، موسوعة الإمامة فی مصادر

اهل السنة، که در فصل دوم از جلد دوم تحت عنوان اهل البيت في القرآن، تعداد هزار و هفتصد و پنجاه و چهار روایت نقل کرده است. همین طور از کتاب اهل البيت في القرآن الكريم، تألیف علی جلائیان<sup>۱</sup> و اهل البيت في الكتاب والسنة نوشته محمدی ری شهری با ترجمه اهل بیت در قرآن و حدیث از سوی حمیدرضا شیخی یاد کرد.

محقق ارجمند تفسیر الجبری - ابو عبدالله الكوفي الحسين بن الحكم (د ۲۸۶ق) - در مقدمه عالمانه خود ۶۵ کتاب در این باره نام برده و تأکید می کند قصد تتبع کامل را نداشته است.<sup>۲</sup> در کتاب تبویب الذریعة نیز به پاره ای از این منابع<sup>۳</sup> مانند آیات الأئمة، از لاریجانی، الآیات النازلة فی فضائل العتره الطاهرة، اثر شیخ تقی الدین عبدالله الحلبي و... بر می خوریم. در خصوص آیات نازله درباره امام مهدی علیه السلام نیز می توان این منابع را برشمرد: المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، نوشته سیدهاشم بحرانی (د ۱۱۰۹ق)، معجم احادیث الامام المهدي (که به گردآوری ۲۶۰ آیه از آیات قرآنی درباره امام مهدی پرداخته است)، المهدي فی القرآن، نگاشته سعید ابومعاش.

کتاب های روایی یاد شده غیر از تفسیرهای جامع مآثور مانند الدر المنثور، از جلال الدین سیوطی (د ۹۱۰ق) و البرهان فی تفسیر القرآن، نوشته سیدهاشم بحرانی (د ۱۱۰۹ق) یا کتاب های اسباب النزول مانند اسباب النزول، از واحدی نیشابوری، لباب النقول، از جلال الدین سیوطی و به طور مشخص تر، کتاب رجال انزل فیهم قرآناً، اثر عبدالرحمن عمیره است که به تناسب آیات، به ذکر روایات در اسباب النزول پرداخته و روایات را ارزش گذاری کرده است. در همان مقدمه تفسیر الجبری فهرست ۲۹ کتاب در باب اسباب النزول را مشاهده می کنیم.<sup>۴</sup> ناگفته پیداست پژوهشگر در استفاده از این منابع باید درجه اعتبار این کتاب ها و میزان استحکام روایات در آنها را در نظر گیرد.

**ب) کتاب های جامع:** اندیشمندان ولایتمدار شیعی در باب اهل بیت پژوهی، کتاب های جامعی نیز رقم زده اند؛ مانند: مناقب آل ابی طالب نوشته محمد بن علی بن شهر آشوب (د ۵۸۸ق)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، تألیف علی بن عیسی اربلی (د ۶۹۲ق)، احقاق الحق و إزهاق الباطل، اثر قاضی سید نورالله شوشتری (د ۱۰۱۹ق) و اثبات الهداة بالنصوص

۱. دو جلد از این کتاب تا پایان سوره بقره را به خود اختصاص داده است.

۲. ر.ک: تفسیر الجبری، مقدمه حسینی جلالی، ص ۱۵۲.

۳. ر.ک: دیباجی، تبویب الذریعة، ص ۸۰-۸۱.

۴. تفسیر الجبری، مقدمه حسینی جلالی، ص ۱۳۲-۱۳۸.

والمعجزات، اثر شیخ محمد حسن حر عاملی (د ۱۱۰۴ق)، مدینه معاجز الائمة، نوشته سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ق)، عبقات الأنوار فی امامة الائمة الأطهار، از سید حامد حسین الكهنوی (د ۱۳۰۶ق)، الغدير فی الكتاب والسنة والأدب، تالیف شیخ عبدالحسین احمد امینی (د ۱۳۹۰ق). در این بخش می‌توان به شرح‌های زیارت جامعه کبیره، مانند ادب فنای مقربان، از آیت‌الله جوادی آملی نیز اشاره کرد.

**ج) کتاب‌های انتقادی:** پاره‌ای از نگاشته‌ها در این زمینه انتقادی هستند؛ از این نظر که ناظر به دیدگاه‌های مخالف نیز هست.

برخی آثار مدوّن در این زمینه نیز عبارت‌اند از: کتاب‌های پربهای علامه حلی (د ۷۲۸ق) در باب امامت، همانند الألفین و نهج الحق که در آن به ۸۴ آیه از قرآن در امر ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) استناد شده است، یا کتاب منهاج الكرامة فی الإمامة و نقد آن از سوی ابن تیمیه حرانی (د ۷۲۸ق) به نام «منهاج السنة النبویة فی الرد علی الشیعة القدریة و کتاب پراج النقص، از نصیرالدین عبدالجلیل قزوینی (۶ق) از نگاشته‌های معاصر نیز غیر از الغدير علامه امینی که از آن نام بردیم، باید از کتاب دلائل الصدق مرحوم محمد حسین مظفر و کتاب پرآوازه و گران‌سنگ المراجعات از سید شرف‌الدین عاملی (د ۱۳۷۷ق) – که در آن به ۵۴ آیه در این زمینه استناد شده – و کتاب الامامة و اهل البيت، از شهید سید محمد باقر حکیم و «معرفة اهل البيت فی ضوء الكتاب والسنة» از سید راضی حسینی و شخصیت‌شناسی اهل بیت در قرآن، از دکتر ولی‌الله نقی‌پور نام برد.

در این پیشینه باید از منابع فهرست‌شناسی نیز یاد کرد مانند معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت (جلد ۹ و ۱۰) از عبدالجبار الرفاعی؛ کتاب شناخت اهل البيت، از مجمع جهانی اهل بیت؛ کتابنامه حضرت مهدی (علیه‌السلام) اثر علی اکبر مهدی‌پور، و بالآخره به منابع بسیار فراوان دیگر که در این باره نگاشته شده است. لوح فشرده «نور الولاية» نیز که در آن متن کامل ۱۲۶ جلد از منابع مهم در زمینه امامت و ولایت گرد آمده و نیز لوح فشرده «امام مهدی در آینه قلم» تولید پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا، راهگشاست.

با این پیشینه کهن و پر بار در بحث، باز هم به نظر می‌رسد جای بررسی تفسیر آیات ولایت درباره اهل بیت به عنوان کتاب درسی مشهود است تا بر غنای مباحث بیفزاید و زوایای بیشتری از آموزه حقوق و مناقب اهل بیت (علیهم‌السلام) را نمایان سازد.

نگارنده با اذعان به کاستی‌های این اثر، از صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان انتظار دارد، با ارائه انتقادات و پیشنهادهای خود، وی را یاری رسانند.



بخش اول

## کلیات

- تحلیل معنایی تفسیر و تفسیر موضوعی
- دسته‌بندی آیات و نگاهی به ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)
- حکمت تصریح نشدن به نام ائمه در قرآن کریم



## فصل اول

### تحلیل معنایی تفسیر و تفسیر موضوعی

در این فصل می‌خوانیم:

۱. درنگی کوتاه در ضرورت شناخت و بهره‌مندی از قرآن
۲. تفسیر در لغت و اصطلاح مفسران قرآن
۳. شناخت شاخصه‌های تفسیر اصطلاحی
۴. لغزش‌های احتمالی در فرایند تفسیر
۵. معناشناسی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر ترتیبی
۶. درنگی در پیشینه تفسیر موضوعی
۷. فایده و آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی

### درآمد

در طرح هر موضوع، نخست باید منظور از واژه‌ها و کلمات استفاده شده را روشن کرد تا شبهه‌ای در ذهن خواننده نماند و موضع بحث به خوبی آشکار گردد. بر این اساس، ابتدا واژه کلیدی «تفسیر» را در لغت، قرآن و اصطلاح بررسی کرده سپس به صورت فشرده از مقوله «تفسیر موضوعی» بحث می‌کنیم و در پایان واژه «اهل بیت» نیز از نظر لغت و اصطلاح در درس دوم، بررسی خواهد شد. در این جا، پیش از ورود به بحث، نگاهی گذرا به ضرورت شناخت و بهره‌مندی از قرآن خواهیم داشت.

کتاب خدا یادآوری و تذکارتی برای همه جهانیان است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (تکویر، ۲۷)

خداوند، سفره قرآن را گشود و ما را ارج نهاد و بر سر این سفره دعوت کرد تا هر کس به قدر فهم خود با تلاوت، تدبر و عمل به آموزه‌ها از آن بهره برد، پس بیاید فرصت را غنیمت شمیریم و برای استفاده از این کتاب گامی برداریم. در این باره آیات و روایاتی فراوان مطرح است؛ از جمله امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «... فَإِنَّهُ [القرآن] امامٌ مشفقٌ وهاهِ مرشدٌ وواعظٌ ناصحٌ و دلیلٌ الی جنّة الله عزّوجلّ».<sup>۱</sup> در این زمینه، کلام جاودانه امام خمینی (رحمته الله علیه) برای بهره‌گرفتن هر چه بیشتر از این فرصت‌ها، کافی است که می‌گوید:

[هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! بیا خیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان منتسک و عالمان متہتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید و این جانب از روی جدّ و نه تعارف معمولی می‌گویم از عمر بر باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را محطّ نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبداّی ناخواسته در آخر عمر که ضعف و پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده!]<sup>۲</sup>

شهید مطهری نیز درباره ضرورت شناخت قرآن می‌نویسد:

[شناخت قرآن برای هر فرد عالم به‌عنوان یک عالم و برای هر فرد مؤمن، به‌عنوان یک مؤمن، ضروری است. برای یک عالم انسان‌شناس و جامعه‌شناس، از آن جهت ضروری است که این کتاب در تکوین سرنوشت جوامع اسلامی و بلکه در تکوین سرنوشت بشریت مؤثر بوده است و از آنجا که با توجه به تاریخ، هیچ کتابی به اندازه قرآن بر جوامع بشری و بر زندگی انسان‌ها تأثیر نگذاشته است، قرآن خود به خود وارد حوزه بحث جامعه‌شناسی می‌شود. معنای این سخن این است که تحقیق درباره جهان و به خصوص شناخت جوامع اسلامی در این چهارده قرن، بدون شناخت قرآن میسر نیست.]<sup>۳</sup>

[... ضرورت شناخت قرآن برای یک مؤمن مسلمان از آن جهت است که منبع اصلی دین و ایمان و اندیشه یک مسلمان و آنچه که به زندگی او حرارت و معنی می‌دهد، قرآن است. قرآن مثل بعضی کتاب‌های مذهبی نیست که یک سلسله مسائل رمزی در مورد خدا و خلقت مطرح نموده و حداکثر یک سلسله اندرزهای ساده اخلاقی هم ضمیمه کرده باشد و بس، به‌طوری که مؤمنین ناچار باشند دستورها و اندیشه‌ها را از منابع دیگر اخذ کنند. قرآن،

۲. امام خمینی (رحمته الله علیه)، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۹۳.

۱. طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۱.

اصول اندیشه‌هایی را که برای یک انسان باایمان و صاحب عقیده لازم است و نیز اصول تربیت و اخلاق و نظامات اجتماعی و خانوادگی را بیان کرده و تنها تفسیر و توضیح و احیاناً اجتهاد و تطبیق اصول بر فروع را بر عهده سنت و یا اجتهاد، گذاشته است. استفاده از هر منبع دیگر، موقوف به شناخت قبلی قرآن است. قرآن معیار و مقیاس سنجش همه منابع دیگر، از جمله حدیث و سنت است. رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) فرموده‌اند: «احادیث ما را به قرآن عرضه بدارید، اگر بر قرآن منطبق نبود، ساختگی و جعلی است».<sup>۱</sup>

**شیوه شناخت قرآن:** یکی از راه‌های شناخت قرآن، بلکه بهترین راه، درنگ در نام‌ها، اوصاف و ویژگی‌های این کتاب در خود قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) است. مفسران و قرآن‌پژوهان درباره تعداد نام‌ها و اوصاف قرآن که بیشتر با تعبیر «اسامی» قرآن از آن یاد می‌کنند، آرای متعدد و گوناگونی دارند برخی شمار آنها را بیش از نود نام و وصف عنوان دانسته<sup>۲</sup> و جمعی دیگر اوصاف و نام‌های محدودی را یادآور شده‌اند.<sup>۳</sup> برخی اندیشمندان نیز با الهام از آیات و روایات که در این زمینه وجود دارند، کوشیده‌اند قرآن را در ابعاد گوناگون معرفی کنند. فهرست بخشی از عنوان‌های آنان بدین شرح است: قرآن کتاب «توحید راستین»، «وعدده راست»، «جاودانه»، «همه انسان‌ها»، «هدایت و نور»، «خردورزی و اندیشیدن»، «حکمت و دانش»، «عمل»، «بیان و تفصیل»، «بدون شبهه و اختلاف»، «مژده و بیم»، «دعوت و رهایی»، «پایداری و تعهدشناسی»، «دادگری و نیکوکاری»، «نیکی و پرهیزکاری»، «خصلت‌های انسانی»، «شفا و صیقل‌بخش جان»، «خشنودی و آرامش خاطر»، «تأمل و خود یادآوری»، «عبرت و دریافت»، «سیاست و حاکمیت»، «عزت و اعتلا»، «نهضت و پیروزی»، «صلح و سازش»، «اخبار گذشتگان و آیندگان»، «نقادی و تصحیح اندیشه‌ها»، «احکام و قوانین فراگیر»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «اقتصاد و رشد مالی»، «کوشش و هدف بخش»، «طبیعت و نمودهای زندگی»، «باطن و ملکوت»، «هنر و نوآوری»، «اعجاز و هماوردطلبی»، «حُب و دوست داشتن» و... است.

این فهرست تا حدودی ما را با محتوای قرآن آشنا می‌کند؛ شرح و توضیح آیات و روایاتی که در ذیل هر کدام از این عناوین آمده، از موضوع نوشته ما بیرون است،<sup>۴</sup> در این زمینه به کتاب‌های

۱. مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۳، مانند این حدیث که مرحوم کلینی نقل می‌کند: «كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُحْرَفٌ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹) وی مشهور به ثقة الاسلام کلینی، محدث نامور شیعی است. وفات او در سال ۳۲۸ق، اتفاق افتاد و در بغداد مدفون شد.

۲. ر.ک: زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۳۴۳. ۳. ر.ک: طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۱۷.

۴. در نام‌ها و اوصاف قرآن نکات مختلفی از قبیل، معنا یا معانی لغوی و اصطلاحی، راز کاربرد آن در مورد ←

قرآن در قرآن، از آیت الله جوادی آملی و قرآن شناسی، اثر آیت الله مصباح و مانند آنها رجوع کنید. ضرورت پژوهش درباره مناقب و حقوق اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن، چندبعدی و گسترده است. این حقیقت به دلیل جایگاه ویژه اهل بیت (علیهم السلام) در معارف وحی و سازمان دین است که در فصل های آینده آشکار خواهد شد.

### معناشناسی تفسیر

**تفسیر در لغت:** تفسیر، مصدر باب تفعیل، از ماده «ف س ر» است و فسر در کتاب های لغت به «بیان»،<sup>۱</sup> «ابانه»،<sup>۲</sup> «جدا کردن»،<sup>۳</sup> «پیدا و آشکار ساختن امر پوشیده»،<sup>۴</sup> «اظهار معنای معقول»،<sup>۵</sup> و مانند آن معنا شده است. برخی لغت شناسان تفسیر را مانند فسر و جمعی آن را مبالغه معنای «فسر» دانسته اند.<sup>۶</sup>

آنچه در تمام این معانی مشترک است، همان آشکار کردن و ابراز نمودن است و اگر به معنای جدا کردن و مانند آن معنا شده، با دقت، به همان معنا برمی گردد؛ زیرا در جدا کردن نیز نوعی ابراز و کشف نهفته است. کاربرد حقیقی واژه تفسیر، ویژه قرآن نیست و مطلقاً به کلام و مفاهیم الفاظ اختصاص ندارد. هرچند، هرگاه این کلمه بدون قید و قرینه به کار رود، به دلیل کثرت استعمال آن، تفسیر قرآن به ذهن متبادر می شود.

**واژه تفسیر در قرآن:** کلمه تفسیر در قرآن تنها یک بار به کار رفته که در آن خدای متعال پس از بیان برخی بهانه ها و ایرادهای کافران در برابر پیامبر خدا ﷺ و پاسخ به آن می فرماید: «وَلَا

تقرآن، وحدت یا تعدد معانی آن درباره قرآن، ارتباط آنها با یکدیگر، ساختار معناشناختی هر یک، راز تکرار فراوان یا اندک شمار بودن آنها در آیات و روایات، اسم خاص بودن یا نبودن برخی از آنها می تواند مورد بررسی قرار گیرد، ولی پرداختن به همه آنها از مجال این نوشته بیرون است و از این رو، به گزینش برخی از این محورها ناچار هستیم.

۱. جوهری، الصحاح؛ ابن منظور، لسان العرب؛ طریحی، مجمع البحرین (ذیل ماده فسر).
۲. فیروزآبادی، ترتیب القاموس المحيط؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس (ذیل ماده فسر).
۳. صفی پور، منتهی الارب فی لغة العرب (ذیل ماده فسر).
۴. ابن منظور، لسان العرب؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط؛ طریحی، مجمع البحرین (ذیل ماده فسر).
۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۸۰.
۶. ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۱۸؛ ابن منظور، لسان العرب؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط؛ زبیدی، تاج العروس (ذیل ماده فسر).

يَا تُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِنَّاتَكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا؛ (فرقان، ۳۳) برای تو مثلی نمی‌آورند جز آنکه ما [در برابر آن] مثل حق و با تفسیر نیکوتر می‌آوریم». مفسران در معنای کلمه تفسیر در این آیه کریمه نظریات گوناگونی دارند.<sup>۱</sup> برخی معنای تفسیر را در این آیه همسان با معنای لغوی آن، یعنی بیان و آشکار کردن می‌دانند؛<sup>۲</sup> یعنی خداوند در برابر مثل آنان، جوابی می‌آورد که هم حق و هم بیانگری و کشف کردنش برای حقانیت پیامبر اکرم ﷺ بهتر و نیکوتر است.

**تفسیر در اصطلاح فریقین:** برخی مفسران فریقین تعریفی برای تفسیر نداده‌اند، گویا آن را آشکارا به معنای متبادر عرفی دانسته‌اند،<sup>۳</sup> و جمعی دیگر درصدد تعریف تفسیر قرآن برآمده‌اند، آن را به معنای «سخن گفتن از اسباب نزول و شأن نزول و داستان‌های مربوط به آنها»،<sup>۴</sup> «بحث از مدلول کلام و وضع معنای آن»،<sup>۵</sup> «علمی که از حالات الفاظ و کلام از حیث دلالت بر مراد خداوند متعال بحث می‌کند»،<sup>۶</sup> «کشف مراد از لفظ قرآن»،<sup>۷</sup> «کشف معانی قرآن و بیان مراد خدا، اعم از مشکل بودن لفظ و غیر آن، یا به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد»،<sup>۸</sup> «بیان ظواهر آیات قرآن بر اساس قواعد و لغت عرب»،<sup>۹</sup> «بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنها»<sup>۱۰</sup> و... دانسته‌اند.

چنان که ملاحظه می‌شود، قرآن‌پژوهان معنای یکسانی از تفسیر ارائه نکرده‌اند، ولی آنچه از نظر آنان وجوه مشترک در معنای تفسیر (دست‌کم در معنای شایع آن) و جزء شاخصه‌های تفسیر محسوب می‌شود، عبارت است از:

۱. تفسیر در حیطة الفاظ و ظواهر قرآن، برای درک مراد خداست؛
۲. تفسیر در جایی صدق می‌کند که نوعی ابهام و خفا در کلام به کار رفته و مفسر درصدد

۱. طبری، جامع البیان عن تأویل آیه القرآن، ج ۱۱، ص ۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۷، ص ۲۶۶؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۹، ص ۱۶ و ...
۲. تفسیر نسفی، ج ۲، ص ۶۸۴؛ نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۷۷؛ بغوی، معالم التنزیل (تفسیر بغوی)، ج ۲، ص ۳۶۸.
۳. مانند: طبری در جامع البیان، شیخ طوسی در التبیان؛ زمخشری در الکشاف و ...
۴. بغوی، معالم التنزیل، ج ۱، ص ۳۴.
۵. رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۸۰.
۶. این قول منسوب به تفتازانی است و حاجی خلیفه (حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۲۷) از وی نام برده است.
۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹.
۸. این قول راغب اصفهانی است به نقل از سیوطی، در کتاب الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۶۸.
۹. تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۲. ۱۰. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴.

پرده‌برداری و کشف از مقصود خداوند باشد. بنابراین، در جایی که معانی زودرس‌اند و مراد خداوند آشکار است، تفسیر اصطلاحی نامیده نمی‌شود، زیرا مفسّر کشفی صورت نداده و پرده‌ای برینداخته است.<sup>۱</sup>

بنابراین، در تفسیر، سخن از استنباط و کشف معنای پوشیده است و نیاز به تأنی و تأمل عقلی است<sup>۲</sup> تا مراد خداوند درک شود. از این رو، مفسّر ناگزیر است با قدم عقل چند گام بردارد؛ یک: همه شواهد و قرائن درونی و بیرونی کلام (از آیات، روایات، شأن نزول، لغت و...) را جمع‌آوری کند؛ دو: این قرائن و شواهد را اولویت‌بندی و هر کدام را در جای خود بنشانند؛ سه: به جمع‌بندی ادله بپردازد تا در فهمش از مراد خدا دچار خطا نشود.

بیندیشید: به نظر شما چرا همه معارف قرآن در دسترس نیستند و نیاز به تفسیر دارند. از همین جا روشن می‌شود که چرا برخی فریقین حکم به جایز نبودن تفسیر داده‌اند و این کار را «تفسیر به رأی» تلقی می‌کنند و می‌گویند فهم قرآن در این سطح (استنباط مراد خدا و کشف معنای پنهان) ویژه افرادی خاص است. چون امکان لغزش در هر کدام از این مراحل

۱. برای توضیح بیشتر درباره اصطلاح «تفسیر» ر.ک: امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۳، ص ۴۷، مقاله «التفسیر»؛ اصفهانی، مجد البیان فی تفسیر قرآن، ص ۴۳-۴۴؛ بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۲-۲۳.

۲. برای مثال در پرسش‌های ذیل دقت کنید:

در آیه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل، ۱۲۸) این معیت چه نوع معیتی است، آیا همسان با معیت در آیه شریفه «... وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (حدید، ۴) است؟ در آیه شریفه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ...» (حشر، ۱۹) مراد خداوند که می‌فرماید: آنان را از یاد خودشان می‌برد، چیست؟ چه رابطه‌ای بین خدا فراموشی و این نوع از خود فراموشی است؟ و... در آیه: «... إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲) سخن خدا به چه معناست؟ چگونه به یک چیزی که هنوز حادث نشده، خطاب می‌شود؟ مخاطب این خطاب چه مرتبه‌ای از وجود دارد؟ و... در آیه: «وَوَدُّوا ظَاهِرَ الْأَثَمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَثَمَ سَيَجْزُونَ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام، ۱۲۰) باطن گناه چیست؟ آیا مراد از گناه پنهان از قبیل اضافه صفت به موصوف است؟ در آیه: «وَإِذْ بَلَّغْنَا إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَلِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴)، کلماتی که خداوند، ابراهیم را با آنها آزموده چیست؟ امامت به چه معناست؟ ظالمان در این آیه چه کسانی هستند؟ و...

درک مراد خداوند از این موارد و صدها آیه دیگر به انضمام آیاتی که کلیات احکام را بدون بیان جزئیات آورده، مبهمات قرآن، الفاظ غریب و مشکل، وجوه گوناگون کلمه و... بدون تأنی و تأمل عقلی با در اختیار داشتن تمام امکانات لازم، ممکن نیست؛ از این رو تفسیر، استنباط نظری است و باید به دست خُبره ارائه گردد.



هست و موجب می‌شود مفسر از درک مراد واقعی خداوند، محروم شود. شاید پیش فرض غیر مدللی را در فرایند فهم دخالت دهد، یا قرینه‌ای را از سر عمد یا سهو نادیده بگیرد، یا در ترتیب بندی خطا رود و یا در جمع بندی دچار اشتباه شود.

### معناشناسی تفسیر موضوعی

تلاش مفسر قرآن در چارچوب ترتیب قرآن، «تفسیر ترتیبی» نام دارد. به این معنا که مفسر، اساس کار خود را بر تفسیر هر آیه و سوره از قرآن قرار می‌دهد؛ بی آنکه موضوع خاصی در جمع بندی آیات همه قرآن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در برابر این شیوه، راه دیگری برای دستیابی به معانی و حقیقت قرآن وجود دارد که آیات قرآن را بر اساس موضوعات مختلف، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. براساس این شیوه، آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید موجود است، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد و با تفسیر و جمع بندی مجموع این آیات، دیدگاه قرآن درباره آن موضوع به دست آمده و همه آیات تبیین می‌گردد. این روش را «تفسیر موضوعی» می‌نامند.

پیشینه تفسیر موضوعی را باید در خود قرآن جستجو کرد، از جمله چون بافت قرآن از محکم و متشابه است، باید آیات متشابه در یک موضوع را به آیات محکم در همان موضوع ارجاع داد. باز به دلیل رفع اختلاف ابتدائی میان برخی مضمون‌های آیات با آیات دیگر، باید آنها را در کنار یکدیگر قرار داد تا معنای واقعی آنها به دست آید و اختلاف رفع گردد، چون قرآن مصون از اختلاف است.<sup>۱</sup> برای نمونه، آباتی که در موضوع شفاعت‌اند، برخی به طور مطلق نفی شفاعت می‌کنند (مانند آیات ۴۸ و ۱۲۳ بقره) و برخی شفاعت را مشروط به شرایطی می‌پذیرند (مانند آیات ۸۶ زخرف، ۸۷ مریم و ۱۰۹ طه) باید هر دو دسته آیه را در کنار یکدیگر قرار داد تا دیدگاه قرآن درباره موضوع شفاعت به دست آید و اختلاف ابتدائی برطرف گردد.

در آثار معصومان علیهم‌السلام نیز تفسیر موضوعی به چشم می‌خورد، از جمله: در مواردی از موعظه یا وصیت که به چند آیه در یک موضوع استناد می‌کردند. مانند: کلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابن مسعود درباره دنیا با استناد به آیات ۱۹ حدید، ۳۳-۳۴ زخرف، ۱۹ اسراء یا درباره قول به غیر علم با استناد به آیات ۳۶ اسراء، ۱۹ زخرف، ۱۸-۱۹ سوره ق، یا سخن امام علی علیه‌السلام درباره

وجود معنایی کفر و شرک در قرآن،<sup>۱</sup> یا امام کاظم علیه السلام درباره اولوالالباب که با ذکر هفت آیه به آن پرداخته‌اند و در کتاب *العقل و الجهل کافی* مرحوم ثقة الاسلام کلینی نقل شده است.<sup>۲</sup>

پیشگامی در تفسیر موضوعی در بین دانشمندان شیعی با علامه مجلسی است که از آیات هم مضمون بهره گرفته است؛ برای نمونه، وی در جلد ۶۷ بحار الانوار درباره قلب، سمع و بصر و در جلد ۵۸ درباره خواب (ص ۱۵۱-۱۵۸) و در جلد ۲۲ درباره ماجرای یهود و نصارا و مشرکان پس از هجرت، آیاتی فراوان را متناسب با موضوع مورد بحث، گزینش و فهرست کرده است. هرچند ممکن است در نگاه ابتدائی برخی از این آیات با موضوع بحث بی ارتباط بنماید، اما با دقت، ارتباط آنها نمایان خواهد شد.

تفسیر موضوعی همانند تفسیر ترتیبی از مرحله ابتدائی با شرحی کوتاه در موضوعات و انطباق یک موضوع از آیات دیگر، شروع گردید و سپس با جمع‌آوری عناوین بزرگ‌تر، مانند آیات الاحکام، مجازات القرآن، ناسخ و منسوخ و القرآن (سوگندهای قرآن)، گسترش یافته است. تا آنجا که تدوین موضوعی آیات، شکل دیگری به خود گرفت و در سده اخیر به موضوعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، با توجه به نیازهای علمی مسلمان معاصر کشیده شد.

در موضوع آیات الاحکام می‌توان از کتاب محمدبن صائب کلبی (م ۱۴۶ق) نام برد که از اصحاب صادقین علیهما السلام است و نیز همه تفسیرها در زمینه فقه القرآن، مانند: فقه القرآن، قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، سیوری (م ۸۲۶ق) که به عنوان تفسیر موضوعی در آیات الاحکام شناخته می‌شوند. کتاب *تلخیص البیان فی مجازات القرآن* از شریف رضی که به آیاتی پرداخته که در آنها نوعی مجاز به کار رفته است، یا کتاب *الناسخ و المنسوخ*، از ابن عثاقی که به گردآوری آیاتی که در موضوع ناسخ و منسوخ است، اهتمام دارد. یا کتاب *اللوامع النورانیة فی اسماء علی و اهل بیته القرانیة* از سیدهاشم بحرانی که به جمع‌آوری و تدوین آیات در این موضوع پرداخته است.

از تفسیر موضوعی جدید که به طور گسترده به بررسی موضوعات متعددی پرداخته‌اند می‌توان به تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی در ده جلد، منشور جاوید آیت‌الله سبحانی در چهارده جلد، پیام قرآن از آیت‌الله مکارم شیرازی در ده جلد نام برد. البته نباید از این نکته نیز

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱-۱۵.

غافل ماند که گاه مفسران در تفسیرهای ترتیبی به مناسبتی با فراهم آوردن آیات همگون، سعی در عرضه دیدگاه قرآن در یک موضوع خاص کرده‌اند که به طور روشن در این زمینه می‌توان به تفسیر المیزان علامه طباطبایی و المنار رشیدرضا اشاره کرد.

فایده‌ای که روش تفسیر موضوعی دارد این است که از متن زندگی و واقعیات و نیازهای آن شروع می‌گردد. در این صورت، مفسر، تمام آیاتی را که در قرآن در آن موضوع مطرح شده، ملاحظه و مطالعه می‌کند، و می‌پرسد و از قرآن پاسخ می‌گیرد. در نتیجه، این نشستن در برابر قرآن، همچون فقه است که تنها تفسیر یک حدیث نیست؛ بلکه گفتگو و پرسشگری و درخواست پاسخ به نیازها و ادراک حقایق از مجموعه آنها به صورت موضوعی است. علامه شهید سید محمدباقر صدر در خصوص این فایده چنین توضیح می‌دهد:

مفسری که روش موضوعی را دنبال می‌کند، هدفش این است که دیدگاه قرآن را در خصوص یک موضوع کشف کند و با الهام گرفتن از متن قرآن و از رهگذر مقایسه آن با اندیشه‌هایی که مورد مطالعه قرار داده، نظریه و رهنمون قرآن را به دست آورد. بنابراین، می‌توان گفت نتایج تفسیر موضوعی، همواره با تجربه انسانی رابطه تنگاتنگ دارند؛ زیرا نتایج این نوع تفسیر، نشانگر خطوط برجسته و جهت‌گیری‌های قرآن و نهایتاً طرز تفکر و نظریه اسلام درباره یکی از موضوعات مورد نیاز هستند.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر موضوعی، گفتگو و محاوره با قرآن کریم و پرسشگری از آن است. آن هم نه فقط یک پاسخ‌طلبی انفعالی و ضعیف؛ بلکه پاسخ‌خواهی فعال و کاربرد و هدفدار از متن قرآن به منظور کشف حقیقتی از حقایق بزرگ زندگی.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنی درباره قرآن می‌فرماید:

«ذلک القرآن فاستنطقوه، و لَنْ یَنْطِقَ وَلَکِنْ أُخْبِرْکُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِیهِ عِلْمٌ مَا یَأْتِی وَ الْحَدِیثُ عَنِ الْمَاضِی وَ دَوَاءٌ دَانِکُمْ وَ نَظْمٌ مَا بَیْنَکُمْ؛ این قرآن را به سخن درآورید، او خود سخن نخواهد گفت؛ ولی من شما را از قرآن باخبر خواهم کرد. آگاه باشید. علم آینده و حدیث گذشته و داروی درد شما و نظم روابط اجتماعی شما در قرآن است.»

واژه «استنطاق» جالب‌ترین و زیباترین تعبیر در زمینه تفسیر موضوعی است که حکایت از گفتگو با قرآن کریم و طرح مشکلات در پیشگاه این کتاب مقدس به منظور یافتن پاسخ‌ها و راه‌حل‌های قرآنی برای آنهاست.<sup>۱</sup>

۱. صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۵۰.

بنابر آنچه در تفاوت میان تفسیر ترتیبی و موضوعی بیان شد، تفسیر موضوعی از بین این دو شیوه، شیوه بهتر و برتری است، ولی باید توجه داشت که این برتری به معنای بی‌نیازی از تفسیر ترتیبی نیست.

نکته پایانی درباره تفسیر موضوعی آسیب‌شناسی آن است. از جمله این آسیب‌ها عبارت‌اند از:

(الف) انقطاع کلام از سیاق قبل و بعد خود؛

(ب) انفصال و پارگی در شبکه معنایی آیات؛

(ج) انفصال از جوهره تعالیم وحی که عبارت از معرفت، باور و تقرب به «توحید» است؛

(د) عدم جمع‌آوری همه آیات در یک موضوع؛

(ه) عدم دقت در جمع‌بندی آیات.

البته این آسیب‌ها برای مفسر چیره‌دست قابل جبران هستند و موجب نمی‌شوند تا یکسره تفسیر موضوعی را ناکارآمد بدانیم. برای نمونه، برای جبران انفصال از جوهره تعالیم وحی، باید هر موضوعی که برای پژوهش از قرآن‌گزینش می‌شود، پس از جمع‌بندی نهایی ارتباط آن را با اصل توحید، نمایان سازیم تا از هدف نهائی قرآن غافل نمانیم.

بیندیشید: به نظر شما چگونه می‌توان در تفسیر موضوعی از آسیب انقطاع کلام از سیاق قبل و بعد خود در امان ماند؟

### خلاصه مبحث

تفسیر در لغت، به معنای آشکار کردن و ابراز نمودن است. هرچند قرآن‌پژوهان درباره اصطلاح تفسیر به نتیجه واحدی نرسیده‌اند، اما از میان اقوال آنان می‌توان شاخصه‌های تفسیر را به دست آورد و تفسیر را استنباط و کشف معانی پنهانی از ظاهر الفاظ دانست. در فرایند تفسیر امکان لغزش سه گام در جمع‌آوری قرائن، اولویت‌بندی و جمع‌بندی آنها هست.

تفسیر موضوعی، گردآوری مجموعه‌ای از آیات در یک موضوع خاص است. این تفسیر همانند تفسیر ترتیبی پیشینه کهن دارد و در آثار معصومان علیهم‌السلام نیز به چشم می‌خورد. اما در سده اخیر گسترش بسیار یافته است.

مهم‌ترین نقطه قوت در تفسیر موضوعی این است که به نیازها می‌پردازد و قرآن را در

موضوعی خاص به سخن در می‌آورد هر چند این شیوه تفسیر را بهتر و برتر از تفسیر ترتیبی می‌دانند، اما از آسیب‌های آن نیز نباید غافل ماند.

### پرسش‌ها

۱. ضرورت شناخت و بهره‌مندی از قرآن را از دیدگاه استاد توضیح دهید.
۲. واژه تفسیر در قرآن به چه معناست؟
۳. شاخصه‌های تفسیر کدام‌اند؟ توضیح دهید.
۴. تفسیر موضوعی به چه معناست؟ فایده‌ها و آسیب‌های تفسیر موضوعی را شرح دهید.

### بحث و پژوهش

۱. دیدگاه علامه طباطبایی را درباره تعریف تفسیر ذکر کرده، آن را ارزیابی کنید.
۲. کلام امام کاظم (علیه السلام) را درباره موضوع «اولوالالباب» با توجه به کتاب العقل و الجهل کافی شرح دهید.
۳. تفسیر موضوعی منشور جاوید آیه الله سبحانه را به طور بسیار فشرده گزارش دهید.
۴. چگونه می‌توان در تفسیر موضوعی، آیات هم معنا را شناخت؟

### برای مطالعه بیشتر

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، علی‌اکبر بابایی و دیگران
۲. روش‌شناسی تفسیر موضوعی، سید هدایت‌الله جلیلی

